

خبر

تقدیر ترکیه از ناظری صابری و سبحانی

بخش فرهنگی – مسئولان فرهنگی ترکیه از شهرام ناظری، پری صابری و توفیق سبحانی به خاطر خلق آثار هنری و فرهنگی درباره مولانا تقدیر کردند. به گزارش ایسنا، شهرام ناظری با حضور در غرفه مرکز فرهنگ و توریسم قونیه که همزمان با دهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری در تهران برگزار شده است با عبدالستار یارار شهردار و مدیر این مرکز دیدار و درباره مولانا و آثاری که در این‌باره تولید کرده است، گفت‌وگو کرد.

در این دیدار پری صابری که تاتار «شمس پرزنده» را کارگردانی کرده و توفیق سبحانی پژوهشگر و مولاناشناس نیز حضور داشتند.

صوهر شهرام ناظری در نمایشگاه گردشگری بخشی از فضای آن را تحت تأثیر قرار داد به طوری که برخی از مردم برای گرفتن امضا و عکس یادگاری به غرفه ترکیه آمدند و در شرایطی که ناظری در حال گفت‌وگو با مدیر فرهنگ و توریسم قونیه بود با او عکس یادگاری می‌گرفتند.

عبدالستار یارار، شهردار و مدیر مرکز فرهنگ و توریسم قونیه در این دیدار ضمن ابراز خوشحالی از حضور ناظری در ماکت آرامگاه قونیه که در این نمایشگاه برپا شده است، بیان کرد: خیلی خوشحالم که دوستان حضرت مولانا را این‌جا می‌بینیم و افتخار میزبانی از آن‌ها را در این ماکت و در سرزمین ایران داریم.

او خطاب به ناظری گفت: می‌دانید که در قونیه شیفتگان صدای شما و حتی خود شما بسیار هستند.

او همچنین خطاب به پری صابری اظهار کرد: آرزو می‌کنم آثارتان در قونیه به صحنه برود.

شهردار و مدیر مرکز فرهنگ و گردشگری قونیه در ادامه بیان کرد: ما فقط از شهر جناب مولانا سلام آورده‌ایم. استادانی امروز این‌جا هستند که در برابر آن‌ها نمی‌توانیم حرف بزنیم. البته هدایای معنوی آورده‌ایم که شاید اندکی از زحمات آن‌ها را جبران کند.

او سپس برای استقبال از حضور این سه شخصیت فرهنگی و هنری این جمله را به زبان فارسی گفت: دسته گل محمدی به شهر ما خوش آمدی!

یارار شال متبرکی از مقبره مولانا را به پری صابری و کاشی‌های قدمتار مقبره حضرت مولانا را به شهرام ناظری، پری صابری و توفیق سبحانی به رسم یادگار احدا کرد. همچنین دیوان کبیر و اصل مولانا که به تازگی چاپ شده به شهرام ناظری احدا شد.

او در ادامه از شهرام ناظری برای اجرای کنسرت و همچنین از پری صابری برای اجرای آثارت «شمس پرزنده» همزمان با بزرگداشت مولانا در شهر قونیه دعوت کرد.

شهرام ناظری نیز متقابلاً گفت: همین که کشور ترکیه به عنوان مقر مولانا در راستای گرامیداشت و بزرگداشت این شخصیت بزرگ اقدام کرده و به ایران آمده اتفاق خوبی محسوب می‌شود که فارغ از دخالت‌های سیاسی باعث تقویت وجه اشتراک دو کشور خواهد شد و همچنین باعث می‌شود مردم ایران و ترکیه بیش تر با درباری افکار حضرت مولانا آشنا شوند.

استاد آواز ایران همچنین درباره احساسات خود از دیدن نمایش «شمس پرزنده» که به مولانا می‌پردازد اظهار کرد:در این شرایط نامطلوب هیچ وقت در مطلوب را نمی‌توان دید چون همه کسانی که در این عرصه هستند با دست خالی و تحت فشار کار می‌کنند. ما در یک فضای راحت که فرهنگ و هنر از سوی ارگان‌های مسئول و دانشگاه‌ها حمایت و کمک شود قرار نداریم و هر کسی با دست خالی و با عشق کار می‌کند.

او ادامه داد: کار خانم صابری بالرزش بود و تئاتر موزیکالی را با موضوع مولانا اجرا کرده که بزرگ است و سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری ایشان را نشان می‌دهد، البته ایرادهایی را به کار ایشان وارد کرده‌ام که قیلا هم گفته‌ام ولی این باعث نمی‌شود که نگویم خانم صابری خستگی‌ناپذیر هستند.

ناظری همچنین درباره تصویری که از مولانا ارائه کرده است، بیان کرد: مولانا تصویر جهان را نشان داده و چیزهایی که ما دریافت کرده‌ایم باطنی بوده که من اگر بخوامیج حرف بزنم هر چه بگویم کوچک است. خود ایشان گفته‌اند در عشق دو عالم را زیر و رو کرده‌ام؛ دیگر من چه می‌توانم بگویم. همه چیز در این صصر گفته شده است.

پری صابری نیز گفت: خوشحالم با کسانی حرف می‌زنم که برای مولانا کار کرده‌اند. ما سال‌هاست تحت تأثیر مولانا هستیم و نمایشنامه‌ای را (رشمس پرزنده) روی صحنه آورده‌ایم. این اثر که تا همین یک ماه هر شب نمایش داده می‌شد از سوی جمعیت زیادی از مردم ایران مورد استقبال قرار گرفت.

توفیق سبحانی مولاناشناس نیز با اشاره به فضاسازی آرامگاه قونیه در این نمایشگاه گردشگری گفت: به قونیه خوش آمدید چون این‌جا تهران نیست و شما تصویری از قونیه را زنده کرده‌اید.

بیژن شکرریز کارگردان و مستندساز که در حال ساخت مستندی درباره پری صابری است در همراهی این چهره‌ها درباره مستندی که قرار است ساخته شود توضیحاتی داد و گفت: این فیلم مستند درباره شخصیت خانم صابری با نوشته‌های استاد سبحانی و صدای شهرام ناظری است.

او همچنین به علاقه پری صابری به صدای شهرام ناظری که انگیزه فعالیتش درباره مولانا بوده اشاره کرد که صابری با تأیید این سخنان به ناظری گفت: بارها به شما گفته‌ام که صدای خوش شما باعث شد که به سمت مولانا بروم و «شمس پرزنده» را بسازم.

در ادامه این دیدار معاون وزیر فرهنگ و گردشگری ترکیه که برای دیدار با رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به ایران سفر کرده است به دیدار شهرام ناظری آمد و به شخصیت او ابراز عشق و علاقه کرد و گفت: از این که شما را در مقام حضرت مولانا می‌بینم بسیار خوشحالم. حضرت مولانا چه خوب فرمودند همدلی و هم‌زبانی از هر چیز بهتر است. ما با شما احساس و ادراک مشترک داریم و از نظر میراث فرهنگی دارای نزدیکی‌هایی هستیم. حتی فرهنگ جنرفیاقی، تاریخی، میراث فرهنگی و حضرت مولانا میان ما مشترک است.

فروزنده اربابی نماینده بنیاد بین‌المللی مولانا در ایران در عین حالی که سخنان این مقام مسئول در ترکیه را برای ناظری ترجمه می‌کرد گفت، استادان ما به نمایشگاه‌های این‌چنینی نمی‌آیند اما چون اسم مولانا به میان بود آمدند، که ناظری نیز این سخنان را تأیید کرد.

در ادامه مدیر مرکز فرهنگی و گردشگری قونیه از شهرام ناظری درخواست کرد قطعاتی از آواز «ششو از نی» را بخواند که ناظری گفت: نمی‌خواهم مردم جمع شوند و فقط می‌خواهم مصرعی از آن را برای شما زمزمه کنم. او در ادامه این صصر را بسیار آهسته خواند.

همچنین توفیق سبحانی خطاب به مدیر مرکز فرهنگ و گردشگری قونیه گفت: استاد خیلی لطف کردند که این مصرع را خواندند. حتی در خانه استاد موحد با همه اسرارها آوازی خواندند.

ناظری در تأیید این سخنان گفت: چون شما نماینده مولانا هستید نمی‌شود نخواند که البته آن را درگوشی خواند.

در پایان این دیدار، شهرام ناظری، پری صابری و توفیق سبحانی متنی را به یادگار نوشتند.

ناظری هنگام خروج از این غرفه که مجبور بود از میان غرفه‌های خارجی آژانس‌های توریستی عبور کند توقف‌های طولانی برای گرفتن عکس یادگاری با بازدیدکنندگان نمایشگاه داشت.

{فرهنگ و هنر}

نگاهی به «قاتل اهلی» ساخته مسعود کیمیایی

معجزه ای در کار نیست

کنم اما این عین حقیقت است. در مورد کیمیایی گفتن این‌که کارگردانی خوب بود یا بد به گمانم بی مناسست. کیمیایی ثابت کرده اگر حوصله داشته باشد می تواند آثار درجه یکی بسازد. از سوی دیگر این مسئله تا اندازه زیادی به کیفیت فیلمنامه بستگی دارد. این بزرگترین ضعف آثار اوست که متأسفانه در طول این سالها با اصرار برای ساختن فیلمنامه های خودش عملاً توانایی هایش را به هزز داده است.

تجربه محاکمه در خیابان که در قیاس با فیلمهای اخیرش موفق تر و سسته و رفته تر بود می توانست برای او یک سرمشق باشد که متأسفانه به مذاق کیمیایی خوش نیامد که در کنارش نام



دیگری مطرح شود که امکان دارد بخشی از توفیق فیلمهایش را به او نسبت دهند، اما کیمیایی باید با این واقعیت کنار بیاید اگر بخواهد کماکان فیلم بسازد، بهتر است از یک نیرو و فکر جوان که ذهن منسجم و دریافت به روزتری از جامعه دارد همکاری کند.

بی تعارف یکی از بزرگترین معضلات سینمای کیمیایی در سالهای اخیر پولاد کیمیایی بوده، عشق پدر و پسری قابل درک است اما نمی تواند واقعیت را تحت الشعاع خود قرار دهد، قهرمان و یا ضد قهرمان سینمای کیمیایی بودن در قواره او نیست نه از نظر فیزیکی و نه از نظر کیفیت بازیگری. تلاش کیمیایی در همه این سالها که به قیمت تخریب بخش قابل توجهی از آثار او شده اگرچه شهرتی برای او به ارمغان آورده اما از او بازیگری بزرگ نساخته است. این درحالی است که بازیگرانی که اندکی استعداد داشتند با قرار گرفتن در فیلمهای کیمیایی نه تنها بهترین بازی های عمر خود را به اجرا می گذاشتند که حتی گاه اوچ گرفته و به شوچره ها و شمایل های برجسته سینمای ایران بدل می شدند. اما از اینکه بگذریم ماجرای اصرار برای استفاده از پولاد کیمیایی در این فیلم دیگر به هیچ وجه قابل توجیه نیست. فیلمی که خط و ربط دیگری داشته ولی ها به زور صحنه هایی از بازی بی رمق پولاد کیمیایی را به آن چسباندند.

قهرمان جوان فیلم شخصیت دیگری است، اما تلاش کیمیایی برای نقش تراشیدن برای پولاد و اضافه کردن کلیپ های بی ربط به فیلم نه تنها فیلم را از ریتم انداخته است، بلکه باعث شده است شخصیت سیاهش نیزتحت الشعاع این افزودن و کاستن ها منطقی خود را کاملاً از دست بدهد.

درباره قاتل اهلی بسیار می توان نوشت، اما متأسفانه این نوشتن نه درباره محاسن که درباره معایب بسیار فیلم خواهد بود. فیلمی بدون منطقی داستانی درست، شخصیت های پرداخته شده و پر از دیالوگ اما نه دیالوگ هایی که در خدمت فیلم باشد بلکه در واقع به پرحرفی های شعاری می ماند که همه شخصیت ها با زبانی مشابه هم در واقع حرفهای کیمیایی را در باره این روزگار بیان می کنند. حرفهایی که کیمیایی می اندیشد مهم است، اما هیچ یک ععق و تاثیر گذاری برخوردار نیستند و از این ها بدتر اینکه با این روش نمی توان خود را به روزگار ستحاق کرد. روزگاری که تندتر از کیمیایی حرکت می کند، ایرادی هم ندارد که آدم از آن عقب بماند، (خود ماهم رفته رفته به سنی می رسیم که نمی توانیم با شتاب روزگار حرکت کنیم) ایراد از جایی شروع می شود که کسی با این حرفها بخواهد خود را به روز نشان بدهد، روزگاری کیمیایی روح خود بود بدون اینکه یکی از این شعارها را بدهد. چنان که امروز هم فیمسازان دیگری چنین نقشی را برعهده گرفته اند. باید اعتراف کنم همیشه وقتی صدای خنده حاضران به فیلمهای کیمیایی را شنیده ام، برایم بسیار تلخ و اندوه بار بوده؛ اما کیمیایی باید باور کند که این واکنش ها همه از یک توطئه دست جمعی مایه نمی گیرد و حتی اگر هم اینطور باشد، اگر کسی فیلم خوب بسازد و کسانی بخواهند از آن بد بگویند درواقع خود را بی اعتبار کرده اند. با تمام مخالفانی که اصغر فرهادی داشته اند و شمشیر را از رو بسته و خنجر را از پشت به سمت نشانه رفته اند آیا تا بحال شده کسی بتواند به یک پلان اثر فیلمهای او بخندد یا حتی پوزخند بزند؟

مگر قیصر کیمیایی کم مخالف داشت؟ اما در فیلم قاتل اهلی دیالوگ هایی که بهمین رو به سرورش درباره هنر و هنرمند می گفت ، آئیم با اجرای بسیار بد پولاد کیمیایی واقعا جای دفاع برای هیچ کس باقی نمی گذاشت. ای کاش کیمیایی قدری واقع بینانه تر به ماجرا نگاه می کرد. و این طور همه را با چوب دشمن از خود نمی راند که بسیاری از منتقدان فیلم از جمله نگارنده از علاقمندان سینمای کیمیایی هستند که همیشه او را دوست داشته اند.

نقد و بررسی فیلم «آباجان» ساخته هاتف علیمردانی

تقلید از خود

پایین تری قرار دارد.درباره فیلم البته باید با جزئیات بیشتر نوشت که در این مختصر محال آن نیست جز اینکه حاصل یک دغدغه شخصی از سوی کارگردان است که متأسفانه چون فاقد پیرنگ و فراز و فرود داستانی است و تنها با اتکا به چند خرده روایت می خواهد تماشاگر را باخود همراه

نقد فیلم «آباجان» ساخته هاتف علیمردانی

معلم تریاکی

تحول شگرف در دنیای فیلمسازی او رخ دهد. نخ تسبیح انسجام بخش داستان در «کوچه بی‌نام» یعنی ماجرای پر تعلیق سقوط هوپلیما و مرگ زندگی پسرک فیلم در «آباجان» غایب است. در واقع باید گفت اثر تازه علیمردانی به دلیل تکیه نداشتن بر یک منطقی یا نقطه عزیمت طراحی شده تحت عنوان شاه پیرنگ که تمام روابط علی و معلولی فیلم را انسجام می‌بخشد و خودش به مرور پرورش پیدا می‌کند تا در نهایت فیلم و مخاطب را به سرمنزل مقصود و ایستگاه پایانی فیلم برساند.

این در واقع به جای آنکه بازیگران، خرده پیرنگ‌ها و موقعیت‌های خورده است.در این نکته هیچ شکی نیست چرا که به جای احساس لذت در مخاطب او را کلافه خواهد کرد. این بزرگترین مشکل فیلم آبان جان است صرف نظر از اینکه موارد اشاره شده آن نیز از سطح متوسط بالاتر نمی‌رود، یعنی شاید از هفت ماهگی بهتر باشد اما از کوچجه بی نام در سطح

سه‌شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۵

خبرها

خواهر سهراب سپهری درگذشت

بخش فرهنگی– پردیخت سپهری، خواهر سهراب

سپهری در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

جمیله فاطمی فرزند پردیخت سپهری با اعلام خبر فوت مادرش گفت: «مادرم یک‌ماه قبل به علت سکنه مغزی در بیمارستان بستری شده بود. دو سه روز قبل یک سکنه دیگر داشت و همین باعث شد که صبح امروز (۱۸ بهمن‌ماه) ساعت سه و نیم از دنیا برود.»

او درباره آثار پردیخت سپهری نیز اظهار کرد: «مادرم از جوانی به شعر و نقاشی علاقه‌مند بودند و دستی هم در قلم داشتند. کتاب «سهراب، مرغ مهاجر»، «هر کجا هستم باشم» که برگرفته‌ای از قصه‌زندگی خود اوست و همچنین کتاب‌های «هنوز در سفرم» و «جای پای دوست» شامل نامه‌های سهراب سپهری و نوشته‌ها و نامه‌های دوستان سهراب به این شاعر و نقاش شهیر ایرانی از جمله کتاب‌های مادرم هستند.»



واکنش سالار عقیلی به انتشار یک خبر نادرست

دروغ نابودی می‌آورد

بخش فرهنگی– سالار عقیلی انتشار آلبومی تحت عنوان «ایران سربلند» را تکذیب کرد.

سالار عقیلی در واکنش به خبری که روز گذشته درباره ارائه کاری به مناسبت سی و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب یادداشتی منتشر کرد.

در یادداشت عقیلی آمده است: «دیروز خبری با تیتیر «سالار عقیلی برای انقلاب خواند» روی خروجی برخی از خبرگزاری‌ها قرار گرفت که محتوای آن را تکذیب می‌کنم چراکه قطعه خوانده شده اساساً مناسبتی نبوده و با هیچ جمع و ارگانی قراردادی مبنی بر مناسبتی بودنش متعقد نشده است.

اطلاعات منتشر شده در خبر مذکور مربوط به مجموعه آلبومی است که از مدتی قبل با همکاری من، آقای پیمان خازنی و خانم نسیم شاملو براساس غزل‌های معاصر در ۹ آهنگ در حال ضبط است و برای وطن عزیز و مردم شریف کشورم ساخته شده است.

باید به استحضار همه مردم ایران برسانم که کار ضبط این آلبوم هنوز به پایان نرسیده و گام‌های آخرش در حال برداشتن است بنابراین هنوز برای آلبوم و قطعات نامی انتخاب نگردیده‌ام. شاید نگارندگان این خبر صلاح می‌خواهند، اما دروغ نابودی می‌آورد و جز از راه صدق و راستی نمی‌توان برای مصلحت کسی گام برداشت.

مع‌الوصف اخباری مبنی بر خوانشن قطعه و یا آلبومی با این عنوان با نام سالار عقیلی واقعیت ندارد و ازسوی من به شدت تکذیب می‌شود. بدیهی است اینجانب حق پیگیری خواهم کرد.

امید است اصحاب محترم رسانه از این پس اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اینجانب را از مشاور رسانه‌ای‌ام دریافت نمایند.»



پیشنهاد نویسنده آمریکایی برای بایکوت اجناس کشورش

بخش فرهنگی – «پل آستر» نویسنده مطرح آمریکایی که اخیراً مخالفت خود را با رئیس‌جمهور شدن «دونالد ترامپ» و سیاست‌های او با صدای بلند فریاد می‌زند، پیشنهاد جالبی برای «پایس‌خ دادن به حماقت‌های ترامپ» مطرح کرده است.

به گزارش ایسنا، «آپریش تایمز» نوشت: «پل آستر» نویسنده برجسته آمریکایی که کتاب‌هایی چون «لولو روی پل»، سه‌گانه «نیویورک» و «کتاب اوهام» را در کارنامه‌اش دارد، پیشنهاد داده جهان برای اعلام مخالفت با سیاست‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور جدید کشورش، از خرید اجناس آمریکایی دست بکشد.

«آستر» اخیراً رمان ۹۰۰ صفحه‌ای «۴۲۲۱» را روانه بازار کرده و آن را مهم‌ترین اثر عمرش خوانده است. تاکنون بارها ریاست گروه مدافع آزادی بیان نویسنده‌ها در مرکز «پن» آمریکا به او پیشنهاد شده بود، اما «آستر» تنها پس از پیروز شدن «ترامپ» در انتخابات ریاست‌جمهوری حاضر شد این سمت را بپذیرد. این نویسنده گفته است که شک داشته بدون پذیرش این سمت، بتواند در دوران ریاست‌جمهوری «ترامپ» با خود کنار بیاید.

او به گفته خودش، از «دونالد ترامپ» و ریاست او در کاخ سفید، ترسیده و عصبانی است و برای مبارزه و مقاومت در برابر توهین‌های رئیس‌جمهور جدید آمریکا به جامعه «آستر» که با تازگی ۷۰ ساله شده، گفت: آن‌چه دوست دارم در این کشور ببینم، این است که مردم تمام کارهایی را که آن‌ها می‌خواهند انجام دهند پس بزنند. در سطح بین‌المللی هم، اگر «ترامپ» آن‌قدر حماقت به خرج داد

و سعی داشت از توافق تغییرات آب‌وهوایی پاریس بیرون بیاید، چرا اجناس آمریکای را در جهان بایکوت نکنیم؟ تمام صاحبان امضا در آن توافق‌نامه، بگویند: «خیلی خوب، ما تو را با نخریدن هیچ جنسی از کشورت تنبیه می‌کنیم» این یک پیشنهاد است.

«آستر» ادامه داد: تو نمی‌خواهی مردم را در خطر قرار دهی، اما اگر تمام مهاجران کارگر به صورت دسته‌جمعی اعتصاب می‌کردند، کل اقتصاد از بین می‌رفت. اگر ما کار نمی‌کردیم، هیچ هتل یا رستورانی باز نمی‌ماند.